



کتابستان

معرفی کتاب «تکاوران نیروی دریایی در خرمشهر»
کوچه به کوچه
با مدافعان خرمشهر
■ محمدصادق علیزاده



«می دانم چرا مرادی از این طرف جاده به آن طرف دویدا ترکشی به گردشش اصابت کرد و سرش را براندا پیگر بی‌مورش مسافتی را دوید و بعد اقتصاد روی جاده وقتی رسیدم دیدم دست و پا می‌زند. خیر داشتم همسرش حامله است. افسر عملیات گردان، بیسیم زد و گفت خودت را به پلیس‌راه برسان.»

بلافاصله رفتم. وقتی با دوربین نگاه کردم، وحشت کردم! بیش از ۳۰۰ تانک و نفربر در حرکت بودند تا خودشان را به دروازه‌های شهر برسانند. اگر کاری نمی‌کردم خرمشهر از دست می‌رفت. آتش توپخانه و پشتیبان نداشتیم تا قدرت متوقف کردن آن نیروی زرهی را داشته باشیم...»

رزمنده‌گان ارتشی در دوران جنگ سهم عمده‌ای در دفاع از مرز و بوم این دیار داشتند. با این حال آن چنان که باید به این قشر ادای دین نشده است. هنوز هم بعد از گذشت ۲۶ سال از پایان جنگ بسیاری از رشادتهای این دسته از رزمنده‌گان ناگفته مانده است. خیلی‌ها نمی‌دانند در مقاومت ۳۴ روزه قبل از سقوط خرمشهر، گردان تکاوران نیروی دریایی ارتش، نقش عمده‌ای در گرفتن ترمز ماشین جنگی حزب بعث و ساماندهی مدافعان مردمی داشت. «تکاوران نیروی دریایی در خرمشهر» ادای دینی به این گردان شجاع و دلور است که هنوز هم هیچ نامی از آنها در مقاومت ۳۴ روزه خرمشهر نیست. سیدقاسم حسینی کوشیده با زبانی شیوا و صریح، خاطرات ناخدا یکم هوشنگ صمدی، فرمانده گردان تکاوران را در آن روزها به تصویر بکشد. گردان ۶۰۰ نفرهای که از همان روزهای اول جنگ، شبانه از بوشهر به خرمشهر نقل مکان کرد.

جهان آرا به تکاوران خیلی احترام می‌گذاشت

شجاعت و رشادتهای آنها مایه خوشنامی‌شان میان اهالی خرمشهر شده بود. «مردم خرمشهر تکاوران را فرزندان خودشان می‌دانستند. هر کاری از دست‌شان بر می‌آمد برای آنها انجام می‌دادند. از بوشهر آشپزخانه صحرایی با خودمان آورده بودیم اما حتی یک بار هم از آن استفاده نکردیم. از همان روز اول ورودمان، صبحانه و ناهار و شام تکاوران را مردم فراهم می‌کردند. چندین بار هم با جهان آرا فرمانده سپاه خرمشهر برای انجام عملیات مشترک جلسه داشتیم. آدم خاکی و خوبی بود. به من و تکاوران خیلی احترام می‌گذاشت. تکاوران، او و هم‌زمانش را در خرداد ۵۸ و در جریان غائله خلق عرب از محاصره ضدانقلاب نجات داده بودند.»

مخاطب صفحه به صفحه جلو می‌رود. به مرور خود را درون جامعه کوچک مدافعان خرمشهر می‌بیند. شهر در معرض سقوط است. وعده‌های بی در پی برای ارسال نیروی کمکی هم با گذشت ۳۰ روز به جایی نرسیده است. «شهر دست عراقی‌ها افتاده بود. آن قدر تماس گرفته و عاجزانه تقاضای کمک کرده و وعده‌های سرخ‌رمن شنیده بودند که دیگر ناامید شده بود. تلخ‌ترین روزهای زندگی‌ام بود. با چشمانم می‌دیدم عراقی‌ها خرمشهر را گرفته و قدم به قدم به ما نزدیک می‌شوند اما کاری از دست‌مان بر نمی‌آید. فقط بر خیابان ساحلی تسلط داشتیم. از گردان ۶۰۰ نفره تکاوران، ۳۷۶ نفر شهید و مجروح شده بودند. از گردان ۲۷۰ نفره ناخدا ضرغامی هم فقط ۱۷ نفر باقی مانده بودند.»

بعضی تکاوران با شنا و گریان، خرمشهر را ترک کردند

با همه اینها اما خرمشهر سقوط می‌کند. مدافعان باید شهر را ترک کنند و درناک‌ترین بخش‌های کتاب همین بخش‌هاست. ناخدا صمدی که تا آن‌ها همه را برای مقاومت تهییج می‌کرد حالا باید فرمان عقب‌نشینی را ابلاغ کند. «هیچ کس زیر بار حرم نرفت. همه شوکه شدند. بعدش هم جر و بحث با تکاوران و بچه‌های سپاه شروع شد. بعضی اقتدر صعبانی بودند که به من توهین می‌کردند. ناخدا! ۳۳ روز است می‌گوی کمک می‌آید. حالا بعد از این همه شهید می‌گویی باید عقب‌نشینی کنیم؟! گفتم تکلیف از من مسافط شده. هر کس بماند مسئولیتش با خودش است. آن شب چه بر من گذشت خدا می‌داند. بعضی از مردم و پرسنل و رزمنده‌ها زار زار گریه می‌کردند. بعضی از تکاوران با شنا و گریان از کارون عبور کردند. مجبور بودم اینها را ببینم و به روی خودم نیاورم. من و ناخدا ضربعلیان تقریباً جزء آخرین نفرهای بودیم که خرمشهر را ترک کردیم. هوا دیگر روشن شده بود. هر دو گریه می‌کردیم.» «تکاوران نیروی دریایی در خرمشهر» در ۳۰۰ صفحه و به قیمت ۱۰ هزار و ۹۰۰ تومان توسط انتشارات سوره مهر روانه منتشر شده است. مطالعه این کتاب می‌تواند دریچه جدیدی باز کند به مقاومت مظلومانه و غریبانه مدافعان خرمشهر.

دو شاعر انقلاب از شعر انقلاب گفتند

مصطفی محدثی خراسانی:
شعر انقلاب به تعریف جامعی رسیده و ظرفیت کارگاه انسان‌سازی آن رسیده است



مرد شعر انقلاب در طول ۲۵ سالی که از انقلاب پشت سر گذاشتیم الحادالله هم از لحاظ کمی و کیفی شاهد رشد قابل توجهی بودیم. در واقع دهه اول انقلاب که قافله شعر انقلاب تازه به راه افتاده بود و بیشترشعرا معنا محور بود. یعنی شاعران بیشتر بر روی محتوا و معنا وضمیمون تاکید داشتند و شاید تا حدی زیبا شناختی اشعار در حاشیه قرار گرفته بود. ولی هر چه جلوتر آمدیم شاعران انقلاب با تجاریه که کسب کردند، توانستند با تلفیق هنرمندانه فرم و محتوا و استفاده از روز آمدترین تجربه‌های شاعرانی چون نیما یوشیج



شعر انقلاب اگرچه امروزه به تعریف جامعی رسیده و می‌توان آن را تعریف و مولفه هایش را برشمرد و مقایسه ای- این نوع شعر- با سبک‌های دیگر شعری تاریخ شعر فارسی داشت و این دوره را یکی از فصل‌های شوکه‌مند شعر فارسی قلمداد کرد. اما به عقیده من به دلیل ظرفیت فوق العاده‌ای که انقلاب اسلامی و آموزه‌های آن دارد هنوز درواقع جا دارد که - شعر انقلاب - را گسترش، عمق و ژرفای بیشتری پیدا کند و در دهه‌ها و سال‌های آتی قوام بیشتر و شکل منسجم تری- البته اکنون منسجم هست - پیدا کند .



مروری بر شعر انقلاب

باز هم همان حکایت همیشگی!

■ عبدالرحیم سعیدی راد



زندگی ساعت تفریحی نیست که فقط با بازی یا خوردن آجیل و خوراک بگذرانیم آن را هیچ می‌دانی آیا ساعت بعد چه درسی داریم؟ زنگ اول دینی آخرین زنگ حساب! (سلمان هراتی)

در ادبیات انقلاب اسلامی با دو نکته اساسی مواجه هستیم یکی اینکه ادبیات دوره انقلاب داریم و دیگری ادبیات وفادار به انقلاب. در خصوص ادبیات دوره انقلاب روشن است که منظور اشعاری است که با موضوع انقلاب در همان دوران عصر انقلاب سروده می‌شد اما ادبیات وفادار به انقلاب تنها ادبیات انقلابی محسوب نمی‌شود بلکه شامل هر نوع اثری است که کلیت انقلاب و ارزشهای آن را قبول دارد و آن را پذیرفته است. به عبارتی روشن‌تر شعر انقلاب فقط شعر انقلابی نیست! یعنی شعری که فقط برای مبارزه و جهاد کردن و خون دادن باشد، بلکه اگر شاعری شعر عاشقانه هم گفته باشد اما چون در گفتمان انقلاب انجام می‌دهد و با باورها و ارزش‌های انقلاب همراه است، آن را شعر انقلاب می‌دانیم. نمونه‌هایی از شعرهایی که مربوط به دوران انقلاب است:

پیام وحدت این خاک و آب می‌شوی
برای دفع اجنب درنگ جایز نیست
ز تربت شهدا این خطاب می‌شوی
به راهبان ره دوست گر ببیندی
خود این سخن ز لب آن جناب می‌شوی ...

در ادبیات انقلاب اسلامی با دو نکته اساسی مواجه هستیم یکی اینکه ادبیات دوره انقلاب داریم و دیگری ادبیات وفادار به انقلاب. در خصوص ادبیات دوره انقلاب روشن است که منظور اشعاری است که با موضوع انقلاب در همان دوران عصر انقلاب سروده می‌شد اما ادبیات وفادار به انقلاب تنها ادبیات انقلابی محسوب نمی‌شود بلکه شامل هر نوع اثری است که کلیت انقلاب و ارزشهای آن را قبول دارد و آن را پذیرفته است. به عبارتی روشن‌تر شعر انقلاب فقط شعر انقلابی نیست! یعنی شعری که فقط برای مبارزه و جهاد کردن و خون دادن باشد، بلکه اگر شاعری شعر عاشقانه هم گفته باشد اما چون در گفتمان انقلاب انجام می‌دهد و با باورها و ارزش‌های انقلاب همراه است، آن را شعر انقلاب می‌دانیم. نمونه‌هایی از شعرهایی که مربوط به دوران انقلاب است:

پیام وحدت این خاک و آب می‌شوی
برای دفع اجنب درنگ جایز نیست
ز تربت شهدا این خطاب می‌شوی
به راهبان ره دوست گر ببیندی
خود این سخن ز لب آن جناب می‌شوی ...



شاهزاده انقلاب اسلامی ست / ریشه اش در عاشورای حسینی ست
تا مرگ شاه خائن نهضت ادامه دارد / حتی اگر شب و روز بر ما کلوله بارد
توپ، تانک، مسلسل دیگر اثر ندارد / شاه به جز خودکشی راه دگر ندارد
نهضت ما حسینیه / رهبر ما خمینیه

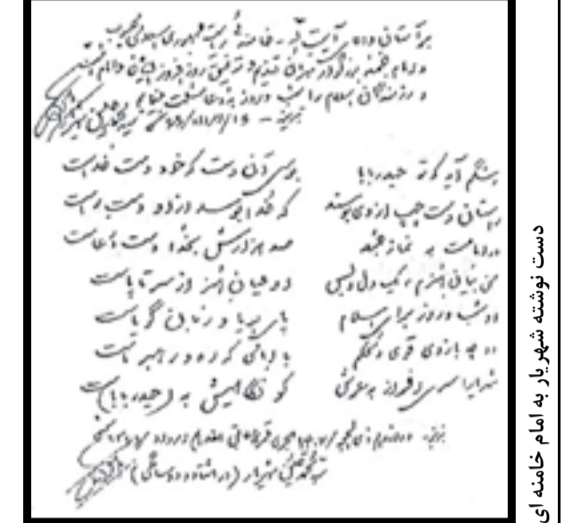
تاکون مشخص نشده که سراینده این شعارها چه کسی است اما نکته قابل توجه، گستره وسیع و جایگاه شعر در بین مردم است که در آن مقطع تاریخی این شعارها بدون حضور اینترنت و فضاهای مجازی و رسانه‌های جمعی دیگر خیلی سریع در اقصی نقاط کشور پخش می‌شد و در تظاهرات سر داده می‌شد یا بر پلاکاردها نوشته می‌شد و حتی گاه بر دیوارهای منازل و یا اینکه بر تابلوهای خیابان جلوه می‌کرد. دیگر اینکه در کنار شعارهای انقلاب، شاعران به سرودن شعر هم روی آورده بودند البته این گونه سروده‌ها از انسجام و گاه ایجاز لازم برخوردار نبودند و تنها پاسخی به تشنه‌ی کلمی و عطش جامعه به این نوع سروده‌ها بود. برخی از این سروده‌ها، بی‌نام و بی‌نشان، در کنار پیامها و اطلاعیه‌ها بر دیوارها نصب می‌شد و یا در تظاهرات خوانده می‌شد و بعدها که اندکی فضا برای تنفس در شعر باز شد در روزنامه‌ها و مجلات به چاپ می‌رسیدند. نکات مهم و قابل عرض در خصوص ادبیات انقلاب این است که همان گونه که در شعارهای انقلاب مردم نشان دادند که انقلاب با تاریخ گریزناک گروه خورده است در شعر انقلاب نیز شاعران ما به این مهم توجه داشته‌اند. آنجا که محمدضا سهرابی نژاد به زیبایی می‌سراید:

پیکار علیه ظالمان پیشه ماست
جان در ره دوست دادن اندیشه ماست
هرگز ندهیم تن به ذلت هرگز
در خون زلال کرپلا ریزیم ماست

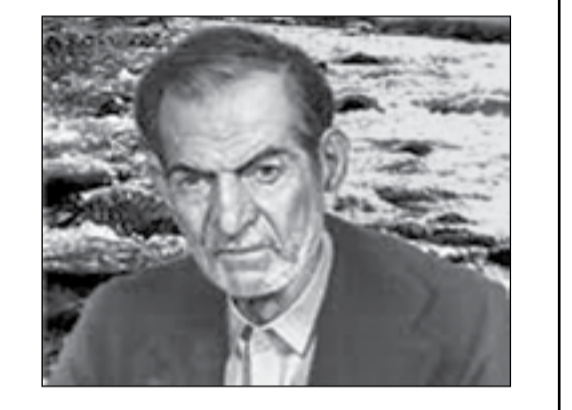
(محمد علی مردانی)
یا:
جهان به غلغله از قمریان باران بود
اگر در پیچه زیغ حساب برمی‌داشت
خیال بال‌گشا تا حریم او می‌رفت
همای پرده‌نشین سر ز خواب برمی‌داشت
به رستخیز فلق مردی از ساله نور
سپیده دم علم انقلاب برمی‌داشت

(مشفق کاشانی)
و نمونه‌ای از ادبیات وفادار به انقلاب اسلامی:

شعر



لاله از خاک جوانان می‌دمد...
■ استاد شهباز



نوجوانان وطن بستر به خاک و خون گرفتند
تا که در بر شاهد آزادی و قانون گرفتند

لاله از خاک جوانان می‌دمد بر دشت و هامون
یا درفش سرخ بر سر انقلابیون گرفتند

خرم آن مردان که روزی خائنین در خون کشیدند
زان سپس آن روز را هر ساله عید خون گرفتند

با دمی پنهان چو اخگر عشق را کانون بیغرون
کوره افروزان غیرت کام از این کانون گرفتند

خوف کابوس سیاست جرم خواب غفلت ما
سخت ما را در خمار الکل و افیون گرفتند

کار با افسانه نبود رشته تدبیر می‌تاب
آری ارباب غرائم مار با افسون گرفتند

خاک لیلای وطن را جان شیرین بر سر افشان
خسروان عشق درس عبرت از مجنون گرفتند

شهریارا تا محیط خود تنزل کن ببندیش
کاین قبا بر قامت طبع تو ناموزون گرفتند

پیش از تو
آب معنی دریا شدن نداشت

پیشش از تو آب معنی دریا شدن نداشت
شب مانده بود و جرأت فردا شدن نداشت

بسیار بود رود در آن برزخ کبود
اما دریغ، زهره ی دریا شدن نداشت

در آن کویر سوخته، آن خاک بی‌بهار
حتی علف اجازه ی زیبا شدن نداشت

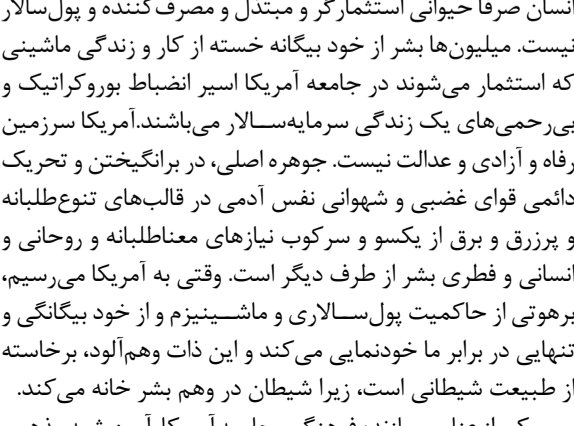
گم بود در عمیق زمین شنانه ی بهار
بی تو ولی زمینسه ی پیدا شدن نداشت

دل‌ها اگر چه صاف، ولی از هراس سنگ
آینه بود و میل تماشا شدن نداشت

چون عقده‌ای به بغض فرو بود حرف عشق
این عقده تا همیشه سر و اشکن نداشت

پیورتانیسم است که نوعی ریاضت سختگیرانه جهت انباشت سرمایه است که حاصل آن شکل‌گیری نگرشی است که سودجویی و استثمار و رفاه‌طلبی را عین تقوا می‌پندارد. وقتی به ما ماهیت واقعی این آیین بیریم و به ویژه ریشه‌های پنهانی آن را بشناسیم دیگر درک و فهم ادعاهایی نظیر این سخن نیکسون که می‌گفت: «خدا با ملت آمریکااست، خواست خداوند این است که آمریکا رهبری دنیا را به دست بگیرد.» آسان می‌شود. مردم آمریکا در مقایسه با سایر ملل از کمترین میزان اطلاعات عمومی و مهمتر از آن، ظرفیت تفکر مستقل برخوردارند و یا به عبارتی، تفکر مستقل و منتقد فردی بسیار اندک است. نظام سیاسی آمریکا که مدعی حاکمیت اکثریت است، اما اکثریت مردم آمریکا به دلیل استثمار و تحمیق که توسط رسانه‌ها صورت می‌گیرد فاقد تفکر و جهان‌بینی مستقل هستند. ویژگی ذاتی جامعه آمریکا این است که شعارهای توخالی و پر سر و صدا و جناب در زمینه خودمدنی و حقوق انسانی و آزادی سر می‌دهد و با تکیه بر دو حربه برهنگی و خشونت، تلاش می‌کند تا ذهن و افکار مردمان را بفریبد و سلطنت و پنهان و آشکار سرمایه را مشاهده‌گری کند، تا آنها که در چنین از خود بیگانگی و ماشینیسم و سرمایه‌سالاری امپریالیستی اسیر هستند، گمان کنند که در بهشت آزادی و عدالت به سر می‌برند. گرایش که اکنون در آمریکا حاکم است حاصلی جز فقر و بی‌عدالتی بیش از پیش برای طبقات محروم جامعه آمریکا ندارد. در واقع حکومت جبارانه آمریکا این است که برای برابری و آزادی ارزشی قائل نیست.

نیمه پنهان آمریکا
مرز کونتر برسان‌های نظری
ول‌راکن نقد آمریکا



انسان صرفاً حیوانی استثمارگر و مبتذل و مصرف‌کننده و پول‌سالار نیست. میلیون‌ها بشر از خود بیگانه خسته از کار و زندگی ماشینی که استثمار می‌شوند در جامعه آمریکا اسیر انضباط بوروکراتیک و بی‌رحمی‌های یک زندگی سرمایه‌سالار می‌باشند. آمریکا سرزمین رفاه و آزادی و عدالت نیست. جوهره اصلی، در برانگیختن و تحریک دائمی قوای غضبی و شهوانی نفس آدمی در قالب‌های تنوع‌طلبانه و برزرق و برق از یکسو و سرکوب نیازهای مغناطیبلانه و روحانی و انسانی و فطری بشر از طرف دیگر است. وقتی به آمریکا می‌رسیم، به‌روتی از حاکمیت پول‌سالاری و ماشینیسم و از خود بیگانگی و تنهایی در برابر ما خودشنامی است. و این ذات وهم‌آلود، برخاسته از طبیعت شیطنانی است، زیرا شیطان در وهم بشر خانه می‌کند. یکی از عناصر سازنده فرهنگ و جامعه آمریکا، آیین شبه مذهبی

معرفی کتاب نیمه پنهان آمریکا

شکل‌گیری مستعمره‌نشین‌ها

تا سازمان مخوف فراماسونری

فرهاد فرقه

به‌خصوص برای آن دسته افرادی که روانی آمریکا را در سر می‌پروراند (به ویژه جوانان؛ شاید به خواندن این چند پاراگراف متوجه شوند که آمریکا واقعا سراسری بیش نیست.)

آمریکا سرزمینی است از جنس حباب و به تعبیر زیادی کلام‌الله مجید، کف روی آب است. آمریکا، سرزمین جذابی است، اما جاذبه‌های آن بی‌محتوا و توخالی است. جامعه آمریکا را می‌توان جمهوری سرمایه‌داران یا شرکت سهامی‌ای مبتنی بر سرمایه‌اندوزی، لذت‌گرایی مبتذل و افراط در سطحی‌گری دانست. بارزترین ویژگی جامعه آمریکا، پول‌سالاری یا سرمایه‌سالاری است. این یک فاجعه بزرگ برای مقام و مرتبه انسانی است که ارزش‌های اصلی یک جامعه، حول محور پول‌دوستی و انباشت یا مصرف حریصانه و دیوانه‌وار پول سامان گیرد، زیرا وضع اسفباری پدید می‌آید و اسفبارتر از همه اینکه، این مظهر از خود بیگانگی و مسخ شدگی و ابزار رف نهایتاً در غلغله‌ی در مسیر پررشاب نابودی و مرگ خواهد بود.

در ذیل از بخش‌های مختلف کتاب نیمه‌پنهان آمریکا برش‌هایی را استخراج نمودم تا در معرض دید خوانندگان گرمای قرار گیرد،

شهباز رزنشاس در کتاب نیمه‌پنهان آمریکا چنین نتیجه می‌گیرد: در آینده‌ای نزدیک آمریکا پر از کشمکش‌های اجتماعی، اعتراضات مردمی، بحران‌های فکری، روانی، اجتماعی و اقتصادی و نهایتاً در غلغله‌ی در مسیر پررشاب نابودی و مرگ خواهد بود.

در ذیل از بخش‌های مختلف کتاب نیمه‌پنهان آمریکا برش‌هایی را استخراج نمودم تا در معرض دید خوانندگان گرمای قرار گیرد،

نیمه پنهان آمریکا، اثر شهباز رزنشاس در سال ۱۳۹۱ به رشته تحریر درآمده و توسط موسسه انتشارات کتاب نشر به چاپ شده است. این کتاب ارزنده و پرمحتوا بسیاری از حقایق درباره ماهیت دولت پلید آمریکا را افشاء می‌کند و با به عبارتی نقاب از چهره آمریکا برمی‌دارد. چنانچه در مقدمه کتاب که به قلم توانای استاد رزنشاس نوشته شده است، می‌خوانیم:

«نگیزه اصلی من از نگارش «نیمه پنهان آمریکا» این بوده است که درحد توان از تاریخ اجتماعی- اقتصادی آمریکا غبار بزدایم و برای طبقه و زرق و برق ظاهری شهرهایی چون نیویورک و سانفرانسیسکو می‌شوئند، از باطن پنهان ستم‌کاری‌ها و زد و بندهای محافل و کانون‌های ثروت و قدرت و خشونت وحشتناک سرمایه‌داران و انحصارهای امپریالیستی و توطئه‌گری سازمان‌های پیچیده و مخفی کاری چون فراماسونری و شورای روابط خارجی سخن بگویم؛ زیرا عمیقاً اعتقاد دارم تصویری که از سوی برخی رسانه‌ها و اشخاص در کشور ما موردور چشمه دولت و سمیای سیاست و اقتصاد آمریکا ارائه می‌شود، غیرواقعی و مسخ شده است. پشت این همه زرق و برق و جاذبه دنیوی، انبوه نیرنگ، توطئه و استثمار سرمایه‌داران نهفته‌ای است و این سرمایه‌ها و جلوه‌گرهای رنگین، از استثمار گسترده کارگران بومی و چپاول بی رحمانه میلیاردار نفر در سراسر جهان به دست آمده و به معدودی کاپیتالیست بی‌رحم و جنگ‌طلب تعلق دارد. فکر می‌کنم علی‌رغم وجود کارهای تحقیقی مفید در خصوص این موضوع، هنوز جا برای ارایه کارهای دیگر وجود دارد.»

فهرست ارائه مطالب در کتاب نیمه پنهان آمریکا از شکل‌گیری مستعمره‌نشین‌های آمریکایی آغاز شده تا می‌رسد به سازمان مخوف